



پروفسور احرار مختارف
تاجیکستان

بلخ در مرحله آخر قرون وسطی - ۵

مساجد

قسمتهای قبلی این مطلب معمولاً با ویرایش و مطابق با زبان امروز خودمان به چاپ می‌رسید. بنابه خواست عده‌ای از خوانندگان که خواهان آشنایی بیشتر با گویش تاجیکی هستند، مقاله را چنانکه بود، تقدیم می‌کنیم. لازم به ذکر است که برای استفاده هرچه بیشتر خوانندگان، معنی یا مترادف بعضی کلمات را در () و گاهی نیز کلمات لازم را در [] به متن افزودیم.

زمانی نه تنها مساجد، مدارس و مزارات بلخ با مشخصات خویش از شهرت خاصی برخوردار بودند، بلکه قسمت بیشتر تعمیرات (عمارتهای) مسکونی شهر درون و شهر بیرون نیز باشکوه بودند. گرچه متأسفانه آثار آبادی‌های متذکره (مذکوره) باقی نمانده است ولی ویرانه‌های آبادیها در خارج «شهر درون» به نظر می‌رسند. با اینهمه در مورد عده‌ای از آثار عمرانی از میان رفته شهر بلخ که آثار کتبی، معلومات (اطلاع) می‌دهد، تنها به ذکر نام عمرانات اکتفا نموده، در باره جای آنها معلومات ارائه

می‌نمایند. به اضافه اینکه از تعداد مساجد و مدارس نیز معلوماتی داده نشده است.

در قرن دهم و یازدهم در بلخ تعداد ۱۸۴۸ مسجد موجود بوده است.^۱ و طبق معلومات دیگری در بلخ (۱۰۴۸) مساجد حساب و شمار شده است.^۲ معلومات محمد صالح راجع به عمرانات شهر اغراق آمیز است. بر اساس معلومات وی قبل از استیلای چنگیز در بلخ به تعداد ۱۲۰۰۰ گذر و مسجد جامع موجود بوده است که تعداد آن‌ها پس از تخریب مغول به ۲۰۰۰ گذر و مسجد کاهش یافته است.^۳

یکی از عمرانات مشهور اسلامی مرکز بلخ، مسجد جامع بوده است که اسطخری، سمعانی، ابن حوقل و ادیسی در مورد آن معلومات ارائه می‌دهند.^۴ بر اساس گفته ایشان مسجد در یک محل زیبایی آباد شده بود که معمولاً محل عبادت و تجمع مردم بوده و در اطرافش بازار شهری موقعیت (جای) داشت اما معلوم نیست که [نویسنده] از کدام یک از مساجد سخن گرفته (برده) است: [آیا] درباره مسجد جامعی که از جانب قتیبه سرلشکر عربی [ساخته شده و سال] آبادی آن معلوم نیست و یا مسجد جامعی که در سال ۱۲۵ هجری (۷۴۳ - ۷۴۲ میلادی) آباد گردیده است. گفته محمد مؤمن راجع به مساجد بلخ که در قرن ۸ میلادی آباد شده است تا حدی گنگ است. طبق معلومات ایشان اسدبن عبدالله در سال ۱۱۶ هجری (۷۳۵ - ۷۳۴ م) مسجد عتیق را آباد نموده و هفت سال پس از آن (۱۲۴ هجری) ۷۴۲ - ۷۴۱ م مسجد جامع دیگری را اعمار نموده است.^۶

تاریخ دوم مشکوک است زیرا آنوقت بار تولد اشاره کرده است که اسدبن عبدالله در سال (۷۳۹ - ۷۳۸ م) در گذشته است.^۷ بر طبق معلومات فضایل بلخ مسجد عتیق در سال ۱۱۸ هجری (۷۳۷ - ۷۳۶ م) یعنی هفت سال بیشتر از اعمار مسجد جامع (۱۲۵ هجری) ۷۴۳ - ۷۴۲ م آباد گردیده است.^۸ ابسن بطوطه از نقل و قول یکی از مورخین^۹ در باره تاریخ عمران و ویرانی یکی از مساجد جامع شهر بلخ معلومات مفصلی و تا جایی (حدی) افسانوی (افسانه‌ای) ارائه می‌نماید. چنانچه به گفته وی مسجد جامع بلخ یکی از مساجد بزرگ و زیبا در شرق بوده است. در مقابل مسجد (یعنی در غرب) رباط (کاروانسرا) الفتح که ستونهای بزرگی داشته قرار گرفته و مسجد بلخ زیباتر بوده است. مسجد را از دارایی و ذخایر خانم داودبن علی که حاکم بلخ در زمان خلفای عباسی بوده است اعمار کرده اند.^{۱۰} گویا خلیفه که از مردم بلخ رنجیده بود بخاطر جریمه خواست که مالیات و عوارض دیگری را که اجرای آن مشکل بوده بر مردم تحمیل کند. در مقابل، زنان و کودکان شهر بلخ از خانم داودبن علی کمک

پوکه چنگاوا در ارتباط با مشخصات معماری نتیجه گیری نموده و چنین ابراز نظر می کند که مسجد جامع بعد از مرگ خواجه پارسا اعمار شده است که معلومات مندرج آثار کتبی نیز آنرا تأیید می کند.

طبق معلومات سلطان محمد، تعمیر فوق با فرمان میر فرید ارغون در سال ۸۶۷ هجری (۱۴۶۳ - ۱۴۶۲ م) اعمار گردیده است.^{۱۳} اما به گفته منشی مزار خواجه ابونصر پارسا گویا یکی از شیبانی ها یعنی **عبدالؤمن خان** (قتل در ۱۵۹۸) اعمار کرده است که دور از حقیقت می باشد.^{۱۴} احتمالاً **ریچارد فوا** معلومات اشتباه آمیز فوق را اساس قرار داده و زمان اعمار این بنا را به قرن ۱۶ ارتباط داده است.^{۱۵}

در باره اعمار مسجد جامع بلخ مؤلف **مجمع الغریب** در سال ۹۰۰ هجری (۱۴۹۵ - ۱۴۹۴ م) چنین معلومات ارائه نموده است که: ساکنین شهر به خاطر ورود سلطان حسین میرزا ۴۰/۰۰۰ دینار پیش کش وی کردند و از این مبلغ، سلطان ۳۰/۰۰۰ دینار را به مردم بلخ بخشیده و ۱۰/۰۰۰ آنرا در اعمار مسجد جامع مصرف نمود. اما مصارف اعمار مسجد ۸۰/۰۰۰ دینار بوده است.

تاریخ اعمار عده ای از بناهای بلخ به قرن ۱۶ میلادی بر اساس معلومات آثار خطی و کتبی به زمان **سلطان کیستان**، **قره سلطان** نسبت داده شده است. او در سال ۹۱۳ هجری (۱۵۰۸ - ۱۵۰۷ م) مسجد جامعی اعمار نمود و حمایمی را که یکسال قبل تر فعال شده بود نیز به آن وقف کرد.^{۱۶}

یکی از مساجد جامع شهر تا اندازه ای (به حدی) بزرگ بود که در وقت محاصره شهر از سوی شیبانی عساکر سلطان ولی خان یکی از سپهسالاران بلخ در آن مستقر شدند.^{۱۷}

راجع به عده ای از مساجد و گذرهای شهر بلخ نیز معلوماتی به دست آمده است.

بر اساس گفته محمد مؤمن در ساحه قبرستان شهر بلخ مسجدی به نام **مسجد شرف الدین** وجود داشت. اما دقیقاً آشکار نیست که قبرستان در کدام قسمت شهر واقع بوده است. در اثر محمد مؤمن چنین درج است که در زمان وی از مسجد و قبرستان اثری باقی نمانده است.^{۱۸} او مسجدی دیگر را در بلخ به نام **مسجد صحافان** یادآوری نموده که تصور می رود در ساحه دکان صحافان در سمت جنوب راه که آنقدرها از مزار بابا فاصله نداشته واقع گردیده است.

در فضایل بلخ از **مسجد مقبری** که گویا در آن یکی از پیامبران مدفون بوده باشد نام گرفته (برده) شده است و همچنان از **مسجد عبدالعزیز مقبری**، **مسجد مومک**، **مسجد کمان کران**، **مسجد**

خواستند. همسر حاکم بلخ بخاطر نجات مردم شهر از مالیات سنگین و عوارض طاقت فرسا، جامه گران قیمت خویش را به (برای) خلیفه ارسال نمود. خلیفه وقتیکه جامه را دید درک نمود که آن زن از خلیفه هم بیشتر سخاوتمند است. روی این ملحوظ (جهت) راحتی احساس کرده فرمان لغو مالیات را به ساکنین بلخ صادر نمود و خراج سال بعدی را نیز بخشید و جامه را به صاحبش برگرداند. بعد از رسیدن جامه، زن حاکم پرسید: «آیا خلیفه جامه را دیده بود؟» و وقتی که فهمید که آنرا دیده است، پوشیدن جامه را نادرست شمرد و فرمان داد که آنرا بفروشد و با پول آن، مسجدی سنگی با حجره ها و رباطها اعمار نمایند. خواهش خانم حاکم بلخ، عملی شد. از قیمت جامه دو سه بخش آن در مسجد و عمرانات آن صرف گردید و ثلث پول باقیمانده را طبق فرمان وی در زیر یکی از ستونهای مسجد کور کردند تا بعداً در ترمیم تعمیر، از آن استفاده گردد. این روایت در زمان هجوم چنگیز در بلخ (یعنی درباره اعمار مسجد و ثروتی که در زیر یکی از ستونهای آن کور شده بود) میان مردم معروف بود. بنا به گفته ابن بطوطه **چنگیز خان** برای بدست آوردن ثروت متذکره (مذکور) قسمتی از مسجد را ویران کرد اما چیزی نیافت. تا زمان آمدن ابن بطوطه به بلخ، یک قسمت از مسجد و رباطی که در مقابل وی اعمار شده بود موجود بود اما اینکه مسجد فوق در کدام قسمت شهر بلخ اعمار شده مجهول و نامعلوم است.

تا همین اکنون **مزار خواجه ابونصر پارسا**^{۱۱} که در مرکز شهر موقعیت دارد و مسجد جامع می باشد از شهرت برخوردار است. در بعضی از قسمتهای مزار متذکره حکاکی و نقاشی و نقش و نگار رسم الخط عربی به مشاهده می رسد. **پوکه چنگاوا** آنرا بطور (به گونه) ذیل معرفی نموده است:

مسجد هشت ضلعی بوده، در پیش روی آن پیش تاقی است که از قسمت داخل مناره های بلندی دارد و از پهلو ستونهای پیچیده شکلی دارد. پیش تاق مسجد دارای ارک هم می باشد. گنبد مسجد خیلی بزرگ و معمار مسجد بدون شک استاد ماهری بوده که دارای سبک خاصی بوده و از معماری آن عصر استفاده نکرده است. اما معمار که پاینده اشکال معماری عصر خویش (نیز) بوده است، آنها را مشترکاً به کار برده است، گنبد توکدار، **ستون های ماریچ**، **ستون های ایوان** و **لوژهای دو منزله** در زمان ماقبل تعمیر نیز معروف بود.^{۱۲} مسجد سالون بزرگی دارد که چند دروازه، محراب و منبر داشته است. گنبد بلند، تزیین خوب، نقاشی ها و کتیبه ها بیننده را به حیرت می آورد اگرچه نقش و نگار و تزیین آن در زمانهای بعد از اعمار آن صورت گرفته است.

دولت کاواک و یا قره فص نام گرفته (برده) شده است.

یکی از مساجدی که در شهر بیرون در ساحه بازار موجود بود به نام مسجد بازار خوانده می شد. ویرانه های آن را در سمت چپ راهی که از مراکز شهر بیرون به بالا حصار اعمار شده بود می توان دید.

در ساحه چهارباغ باجی، بقایای دو مسجدی که در قرن ۱۷ میلادی اعمار شده بود به نظر می رسید. یکی از آنها مسجد خواجه اتاش و دیگری مسجد امام باجی و یا خواجه باجگاهی ولی می باشد. سبک معماری بنا به صفت مزار اعمار شده بود و ساختمان مسجد را نداشت.

در همان ناحیه یکی از تعمیرات به نام مزار خلیفه که احتمال دارد در قرن ۱۹ اعمار شده باشد، بیشتر به مسجد شباهت داشت. چنانچه بنا به ارزیابی مولانا خواجه عبدالرشید چنین عمل یعنی تبدیل مزار به مسجد یا مسجد به مزار امکان پذیر بود و در مساجد، اشخاص معروف، ثروتمندان و حکام، دفن می گردیدند و از این طریق آنرا به مزار تبدیل می ساخت. و این روش غیر از ساحه بلخ، در نقاط دیگری هم به مشاهده می رسید.

در قسمت غرب شهر، در پهلوی قبرستان شیخ شقیق بلخی، مسجد عصری قرار دارد که به خانه مسکونی معاصر شباهت دارد. تعمیر از لحاظ هنر معماری ارزشی ندارد. طبق معلومات ساکنین محل در سال ۱۹۷۱ م امام نداشت است و یکی از دلایل این امر عدم موجودیت املاک وقفی بوده است. مردم غریب و فقیران منطقه قدرت تأمین معیشت امام مسجد را نداشته اند.

ویرانه های عده ای از مساجد قرون وسطی در اطراف شهر بلخ بنظر می رسد. به علاوه از مسجد نه گنبد در نزدیک قشلاق خواجه غولک، مسجد (مولانا جلال الدین رومی صاحب مثنوی معنوی) که از خشت خام اعمار شده است قرار دارد. تعمیر (ساختمان) مسجد با بزرگی خویش و گنبد بلند، بیننده را به حیرت می آورد. نقشه آن شباهت زیاد به خانقاه داشته است. سالون (سالن) کلان، محراب ها و حجره های هر کنج و چهار حجره مسلسل در قسمت جنوب بنا، آثار فوق با شکوه خویش، گواه بر هنر مردمی سده گذشته می باشد.

معلومات نا کافی که راجع به مساجد بلخ در دست داریم گواه بر آنست که مؤلفین قرون وسطی کاملاً متوجه مساجد جامعی بوده اند که از جانب حکام بلخ اعمار شده بود. معمولاً مساجد از حساب عواید وقفی، تمویل (تأمین مالی) می گردید. اما غیر از حمامی که در قرن ۱۶ از کیستان قره سلطان وقف شده بود، املاک وقفی دیگری را نیافتیم. این مسأله را در اتکاء (با تکیه بر) وقف نامه ها و آثار دیگر خرید و فروش که بدون شک در میان

مردم و یا مؤسسات مذهبی افغانستان دست ناخورده باقی مانده است می توان بررسی کرد.

مدارس

ادریس در باره مدارس بلخ و مؤسسات دیگری که در آن ها علوم مروّجه جهان، فرا گرفته می شد معلومات داده است.^{۱۹} گویا در قرون دهم تا دوازدهم میلادی در آن شهر به تعداد ۴۰۰ مدرسه فعالیت داشته اند.^{۲۰} محمد صالح موجودیت ۴۰۰ مدرسه را تا هجوم مغول و ۱۰۰ مدرسه را تا قرن ۱۶ در آنجا تذکر داده است. رقم آخر رامؤلفی گمنام نیز یاد نموده است.^{۲۱} یکی از مدارس زمان قبل از هجوم مغول به نام خلیل ابن احمد بن اسماعیل شجری شیخ پنجاه و هشتم بلخ که در سال ۴۸۱ هجری (۱۰۸۹ - ۱۰۸۸ م) در گذشته است، نامگذاری شده بود.

به استناد اسناد و مدارک، بعد از درگذشت شیخ، اشخاص معتبر شهر، از حاکم غزنی خواهش اعمار (ایجاد) مدرسه ای که به نام شیخ نامگذاری گردد، نمودند. تقاضای آنها پذیرفته شد و آن مدرسه به نام خلیفه معروف گردید.^{۲۲}

مؤلفین قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی نامه ای عده ای از مدارس را تذکر داده اند. یکی از مدارس قرن ۱۶ به نام کمال الدین گنگ یک تن از مقربان کیستان قره سلطان حاکم بلخ نامیده می شد. خواند میر از مدرسه ملک آغا که در نزدیکی دروازه خواجه اتاش بوده است یاد نموده است.^{۲۳} حفیظ تنش بخاری نیز درباره آن مدرسه معلومات داده است که به اساس گفته وی مدرسه در قسمت شرق شهر قرار داشت و این معلومات با معلومات خواندمیر مطابقت دارد.^{۲۴} سلطان محمد از نویسندگان قرن ۱۶ یادآوری نموده است که مدرسه در سال ۸۳۲ هجری (۱۴۲۹ - ۱۴۲۸ م) اعمار شده است و به نام یکی از زنان سلطان تیموری سلطان ابوسعید (۱۴۶۹ - ۱۴۵۱) نامگذاری شده است. معلومات فوق شاهد این مطلب است که مدرسه ملک آغا، در قرن ۱۶ نیز فعال بود. سلطان محمد در ارتباط با تخریب شهر بلخ از جانب تیمور یادداشت هایی ارائه نموده و از دو ستون مرمری که ارتباط هر کدامشان چهل گز و محیط آن یازده گز بوده است یاد کرده است و از اینجا می توان در مورد بزرگی تعمیر مجهول حدس بزنیم.^{۲۵}

در نزدیک مزار خواجه ابونصر پارسا، شیخ الاسلام خداوند، مسجدی اعمار کرد که در قسمت جنوب منار و سمت غربی شهر تعمیری از خشت پخته اعمار شده که اتاقهای زیادی داشت که به مزار وقف شده بود و همچنان عواید سالانه املاک خداوند،

وقف مسجد متذکره گردیده بود ۲۶.

صندوق جامه زربفت فرنگی در خزینه اش داشته است. بر اساس اقلام متذکره در مورد ثروتمندی او می توان قضاوت کرد.

یکی از مدارسی را که **نادر محمد** در بلخ اعمار کرده بود گنبدی داشت که از لحاظ زیبایی و بزرگی چنین شده که فلک به آن همسری کردن نمی توانست ۳۰.

محمد یوسف منشی از مدرسه دیگری در بلخ که در اواخر قرن هفده از طرف **سبحان قلی خان** اعمار شده بود یاد نموده است. از عمرانات **سبحان قلی خان** می توان مدرسه ای را که در مقابل مزار خواجه ابونصر پارسا قرار دارد تذکر داد. این مدرسه ساحه خیلی وسیعی را احتوا کرده (در برگرفته) و بسیار مرتفع است. دیوار بیرون آن حکاکی شده بود ۳۱. فعلاً در مرکز بلخ در قسمت شرق مسجد جامع خواجه ابونصر پارسا ویرانه های پیش تاق مدرسه فوق، به نظر می رسد که در زیر آن دکان های آثار عتیقه فروشی وجود دارد ۳۲. وصف بیشتر این مدرسه در یکی از وقف نامه هایی که در میان سالهای (۱۶۸۶ - ۲۶۹۴ م) تهیه شده تذکر رفته است. به شکل این مدرسه که از خشت پخته و سنگ اعمار شده صحن بیرون آن از خشت پخته فرش گردیده است. مدرسه از دروازه ها به شکل محراب دارای پیش تاق بلند، صحن بزرگ و دو تعمیر گنبدی دیگری که یکی از آنها درس خانه و دیگری که پهلوی آن قرار دارد، تراست خانه که از آن به حیث (به عنوان) مسجد استفاده می کردند. در منزل مدرسه ۱۵۰ حجره وجود دارد. مدرسه از چهار سمت مرزبندی شده است و از سمت غرب با املاک وقفی خویش هم مزار می باشد. متولی مدرسه، متولی املاک موقوفی بوده و اراضی آن، محل مجتمع مردم و بازار بوده است. از سمت شمال، مدرسه با حویلی رزک در راه عمومی پیوست می باشد.

از سمت شرق مدرسه با حویلی **ملا عبدالله پیر ملاحویلی** استاد لطیف سنگتراش، پسر استاد نیاز و قسماً حویلی استاد میر که معرفی شده بود متصل است. مدرسه از سمت جنوب به مکتب تیمچه و به در رفت عمومی که همه آنها وقف این مدرسه هستند وصل شده است ۳۳.

گفتار فوق نه تنها درباره نقشه مدرسه بلکه همچنین در باره عمرانات عمومی و خصوصی اطراف آن استادان و بازارها صدق می کند. همچنین معلوم می شود که در نزدیکی مدرسه مسجدی اعمار گردیده بود. طبق فرمان خان، مسجد برای استفاده مسلمانان، طلاب مدارس و اشخاصی که علوم مذهبی را می آموختند، اعمار گردیده بود و این مدرسه را با املاکش وقف نموده اند ۳۴.

همچنین بخش بزرگی از اراضی مزروعی، عده ای از

محمد یوسف منشی در باره ظلم و تعدی حاکم بلخ شاه بیک **کوکلتاش** معلومات داده و مدرسه **عبدالله خان** را نیز یادآوری نموده است که حاکم موصوف از خوف [و] هراس مردم شورشی، به آنجا پناه برده و دروازه ها را بسته و از آنجا به سوی مردم تیراندازی کردند.

طبق معلومات مؤلف فوق، جوانان دلیر یک روز در چنین حالت بودند و شبانگاه دیوار مدرسه را شکاف نموده و در آن داخل شدند، حاکم را دستگیر نموده و به پیشگاه مردم کشاندند ۳۷. موقعیت مسجد فوق چندان واضح نیست. اما نامش گواه بر آنست که مدرسه در نیمه دوم قرن ۱۶ میلادی زمان سلطنت **عبدالله خان** در بلخ و یا بخارا اعمار شده است.

مؤلف قرن ۱۷ میلادی **خواجه سمنند** که چند مرتبه به بلخ آمده بود درباره **مسجد خانی** و مدارس آن [و] آخوند **ملاعمر** معلومات ارائه کرده است ۳۸.

محمد مؤمن همچنان نام دو مدرسه را یعنی **مدرسه کپک اتالیق** که در بلندی نزدیک مسجد صحافان قرار داشته و مدرسه ای را که در خارج از دیوارهای دروازه سلطان احمد خضرویه که احتمالاً به نام **بابا کوه** یاد می شده تذکر داده است ۳۹. طبق معلومات **محمد مؤمن**، موقعیت **مدرسه کپک اتالیق** به ویرانی های در دست راست راه «شهر بیرونی» به دروازه های **گلف** واقع است مطابقت دارد. دیوارهای پیش تاق را که تا جایی (تاحدی) محفوظ و دست نخورده مانده و از خشت پخته اعمار شده اند مردم گاهی «گهواره» خوانده و عده ای کشک نیز می خوانند. در باره هدف تعمیر این بنا معلومات وجود ندارد. تعمیر دو منزله که مشابه مدارس قرون وسطی می باشد خشت های پخته آن ۲۸ بر ۳۰ سانتی بوده طبق روایاتی، یکی از حکام بلخ برای دختر خویش عمارت گاهی را ساخته بود. و در آن عمارت دخترش را تربیت کردند.

به علل آنکه بلخ از موقوف «شهر روم» - بعد از بخارا - برخوردار بود در آن عمرانات زیادی صورت گرفت. حکام **اشتراخانی** از طریق استعمار بیرحمانه فئودالی دهاقین و پشه وران، ثروت بزرگی جمع نمودند و در پهلوی دیگر کارهای خداجویانه، مدارس و مساجد را نیز اعمار نمودند. **نادر محمدخان** (۱۶۵۴ - ۱۶۴۲) یکی از حکام آن دودمان طبق معلوماتی که در اسناد آمده است ۶۰۰ قطار شتر داشت و در تبیله (طوبله) وی هشت هزار اسب دونده تربیت می شد. گله های اسب هم داشت او علاوه بر اینکه مواشی از نوع دیگر هم تربیت می کرد، هشتاد هزار رأس گوسفند قره قل گورچه داشت و ۴۰۰

«شهر بیرون» مشکوک است و آنرا باید مشخص نمود.
 همینطور ما در باره ۱۳ مدرسه بلخ معلومات داریم اگرچه طبق
 آثار تاریخی تعداد آنها در شهر زیاد بوده است و معلوم می شود که
 بلخ در قرون ۱۶ و ۱۸ یکی از مراکز نسبتاً بزرگ فرهنگی اسلام
 بوده است. ■

پاورقی:

- ۱- فضایل بلخ ص ۲۱.
- ۲- مجموعه رساله گمنام در باره فقه.
- ۳- محمد صالح، رساله در بیان وزارت بلخ ۱۲۷۴ هجری ورق ۴.
- ۴- اسناد و مدارک راجع به تاریخ ترکمن ها جلد اول ص ۱۷۶ - ۱۹۳ یووار شکی
 سفرنامه سفارت سوش - افغانستان و خانه نشینی بخارا در ۱۸۷۸ - ۱۸۷۹ جلد اول
 ۱۸۸۲ ص ۱۸۶ ص ۱۸۱.
- ۵- فضایل بلخ صفحات ۲۷ - ۳۵.
- ۶- راجع به سلطنت هابی در ختل و بلخ رجوع شود: بنتسکی جغرافیایی تاریخی ختل
 از زمانهای قدیم تا قرن ۱۰ میلادی، مسکو لنینگراد ۱۹۱۸.
- ۷- بار تولد کلیات جلد اول ص ۱۲۹.
- ۸- جریده اوراق ۹ و ۱۰.
- ۹- مورخ احتمال دارد موظف فضایل بلخ بوده باشد که سابق تر از ابن الطوط زندگی
 کرده است و یکی از روایات را آورده است (فضایل بلخ ص ۲۱). ابن الطلمعه سفرنامه
 ۳۸۷ - ۳۸۸.
- ۱۰- داود بن علی بدون شک حاکم بلخ داود بن عباس می باشد (۸۷۰ - ۸۴۷) که در قرن
 میلادی در بلخ چند بناء آباد نمود که آنها را در سال ۸۷۹ هجری یعقوب لیث صفاری
 ویران کرده بود (بار تولد کلیات جلد اول ص ۱۲۸).
- ۱۱- خواجه حفیظ الدین (برهان الدین) ابونصر پارسا پسر و شاگرد عالم صوفی بخاری
 محمد پارسا می باشد. وی در سال ۸۶۵ (۱۴۶۱ - ۱۴۶۰) در بلخ در گذشته است.
 رجوع شود تاریخ مقیم خان تعلیقات و حواشی بحانانوف ص ۲۵۲.
- ۱۲- پوکاچکاو، هنر افغانستان مسکو ۱۹۶۳ ص ۱۶۵ - ۱۶۶.
- ۱۳- سلطان محمد اثر متذکره ص ۱۴.
- ۱۴- تاریخ مقیم خان ص ۱۸۴.
- ۱۵- Le y d e nFmyer. Balkh The Encyclopaodi New Edition
 London Vdi.
- ۱۶- سلطان محمد اثر متذکره ص ۲۵.
- ۱۷- خواند میر اثر متذکره ص ۱۵۱.
- ۱۸- خواند میر اثر متذکره ص ۴۳.
- ۱۹- یووار شکی سفرنامه جلد اول ص ۱۸۶.
- ۲۰- فضایل بلخ ص ۲۱.
- ۲۱- کتاب مؤلف گمنام در باره فقه.
- ۲۲- کتاب مؤلف گمنام ص ۳۲۲ - ۳۳۳.
- ۲۳- حبیب السیر ص ۲۶۳.
- ۲۴- عبدالله نامه جلد دوم ص ۱۵۰.
- ۲۵- سلطان محمد اثر متذکره ورق ۲۵ الف.
- ۲۶- سلطان محمد اثر متذکره.
- ۲۷- تاریخ مقیم خان ص ۸۰.
- ۲۸- خواجه سمندر ترمزی دستورالملوک مسکو ۱۹۷۱ ص ۱۷۹.
- ۲۹- جریده ورق ۵۶.
- ۳۰- محمد یوسف منشی اثر متذکره ص ۹۴.
- ۳۱- محمد یوسف منشی اثر متذکره ص ۱۸۴.
- ۳۲- بانگ ویرانه های این مدرسه را اشتباهاً آثار امان تیموری خوانده است.
- ۳۳- دودیف، الملائک مدرسه سبحان قلی خان در بلخ ص ۱۱۱ - ۱۱۲.
- ۳۴- دودیف، الملائک مدرسه سبحان قلی خان در بلخ ص ۱۱۳.
- ۳۵- ویچلوف، آثار باستان شناسی افغانستان ص ۱۴۰.

قریه جات ولایت بلخ، دو تیمچه، دکانها، حمام ها، در شهر و
 اطراف مدرسه و غیره وقف مدرسه شده بود. جالب است که
 حمام ها، جوازاها، دکانهای بقالی و غیره در آن قسمت شهر قرار
 داشتند که به نام تل بازرگان خوانده می شد. احتمال دارد این
 یکی از دو تپه باشد که قبلاً در مورد معرفی دیوارهای شهر
 متذکر (تذکر) داده شده بودند.

ویرانه های یکی از حمام ها را ویچلوف دیده بود و تذکر
 داده است که در جنوب شرق مسجد ویرانه های حمامی قرار
 دارد. حمام در زیرزمین بوده [و] در آن بقایای مرمکاری دیده
 می شود^{۳۵}. در موزه شهر مزار شریف پارچه سنگ تزئینی به
 اندازه ۶۵ در ۴۲ سانتی [متر] به عرض نمایش گذاشته شده است
 که قطعه سنگ، اندکی فرورفتگی دارد که در آن دو شکاف برای
 جریان آب حک شده در کارت معرفی نوشته شده است که سنگ
 را در یکی از حمامهای شهر بلخ پیدا نموده اند.

طبق احصائیه دوویدون که بر اساس وقف نامه صورت
 گرفته است عواید جنگی سالانه (علاوه بر پول نقد) مسجد و
 مدرسه سبحان قلی خان دوازده صد و شست (۱۲۶۰) تن غله
 [می باشد]. جالب است که چنین مدرسه و مسجدی بزرگ و
 پرقیمت که در اواخر قرن هفده اعمار شده است فعلاً به استثنای
 قسمتی از پیش تاق آن به کلی از بین رفته است. عوامل آن را
 می توان در ساختمان ضعیف و نامکمل آن و سقوط بعدی بلخ
 جستجو نمود.

محمود بن ولی در کتاب بحرالاسرار خویش از نام چند
 مدرسه دیگر ذکر نموده است. مدرسه علی به نام عبدالله خان یاد
 گردیده و زمان اعمار و موقعیت آن مشخص نیست. اما چون در
 مقابل مدرسه نادر محمدخان در پهلوی مدرسه الله یار دیوان
 بیگی (متوفی ۶۳۶ م) قرار دارد، احمدوف حدس زده است که
 در ریگستان یعنی در قسمت غرب (شهر بیرون) اعمار گردیده
 است.

یکی از مدارس دیگر یعنی مدرسه الله یار دیوان بیگی در
 سمت جنوب مدرسه عبدالله خان مدرسه نادر محمدخان موقعیت
 داشته، میدان ریگستانی راضم می کند (در برمی گیرد).
 احمدوف نام دو مدرسه دیگری را نیز تذکر داده است که موقعیت
 آنها معلوم نیست. یکی از آن مدارس، مدرسه قل بابا کولکلتاش
 (قتل ۱۵۹۸) و دیگری مدرسه شاه بیگ کولکلتاش که در زمان
 سلطنت ولی محمدخان (قتل بعد از تاریخ ۱۶۰۳) حاکم بلخ بود،
 می باشد.

موقعیت سه مدرسه بلخ در میدان ریگستان مشابه موقعیت مدارس
 ریگستان شهر سمرقند است. موقعیت ریگستان در قسمت غرب